ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

مجله علمی فقه، حقوق و علوم جزا (سال ششم)
شماره ۱۹ / بهار ۱۴۰۰ / ص ۷۶- ۶۷

رابطه سببیت و مسئولیت کیفری

زهرا شیری
دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

نام نویسنده مسئول:
زهرا شیری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۸

چکیده

رابطه‌ی سببیت به معنی ارتباط ناگسستنی بین رفتار مجرمانه با نتیجه‌ی حاصل از جرم است، به نحوی که سبب و عنصر خارجی آن را قطع نکند. در مباحث مرتبط با تحمیل مسئولیت آن چه که دارای اهمیت است احراز و اثبات رابطه استناد میان فعل اضراری و نتیجه محدوثه است و وقتی بحث از مسئولیت کیفری می‌شود در حقیقیت ارتباط بین رفتار مجرمانه و مجازات آن یعنی رابطه سببیت به ذهن متبادر می‌گردد. رابطه‌ی استناد از جمله عناصر و ارکان تحقق مسئولیت کیفری است و برای تحقق مسئولیت کیفری و مجرم شناختن فرد، الزاما رابطه‌ی سببیت و علیت کیفری لازم است و بدون احراز این رابطه، فرض مسئولیت کیفری منتفی است. رابطه‌ی سببیت یکی از مشکل‌ترین مباحث حقوق کیفری است و احراز انتساب میان فعل مجرمانه و زیان حاصل از آن در مقام عمل، به ویژه در فرض تعدد عوامل و اسباب با دشواری‌های فراوانی روبروست. امری که اختلافات را برانگیخته و باعث دشواری می‌گردد، مصادیق سببیت است که به انحاء مختلف قابل تصور می‌باشد. مواردی از اجتماع اسباب و عوامل مختلف که گاهی دارای تاثیر واحد بوده و گاهی در میزان اثر با هم متفاوت‌اند و مواردی که به ظاهر حالت اجتماع داشته اما در واقع تنها یک سبب دخالت دارد.

واژگان کلیدی: سبب، سببیت، مسئولیت، مسئولیت کیفری.

فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۱۹، بهار ۱۴۰۰، ص ۷۶- ۶۷

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

مقدمه

انسان به جهت اقتضائات زندگی اجتماعی و بهره‌گیری از امتیازات آن، تکالیفی بر دوش دارد که در یک کلمه می‌توان آن را مسئولیت نامید. لزوم همزیستی مسالمت آمیز، ترتیب و تنظیم اصول و قواعدی را ایجاب می‌کند که آن را قانون می‌نامیم. وقتی انسان قانون را نقض می‌کند جرم تحقق می‌یابد و به خاطر این عمل مسئول شناخته می‌شود لذا یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های شخص در اجتماع، مسئولیت کیفری می‌باشد. اصل علیت در حقوق کیفری ریشه در اصل شخصی بودن مسئولیت و مجازات دارد لذا اعمال صحیح اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری نیازمند توسل به اصل سببت و علیت کیفری است. باید توجه داشت که طرز تلقی انسان‌ها و مکاتب حقوقی از مسئولیت انسان در برابر عملی که بر خلاف قانون انجام داده و به عبارتی دیگر طرز تلقی از مسئولیت کیفری از زمان‌های قدیم تاکنون تحول بایسته‌ای پیدا کرده است. بحث از مسئولیت جزایی خواه ناخواه بحث از رابطه سببیت را در بردارد لکن در گذشته و تا قبل از تحولات عصر روشنگری، این رابطه به صورت یکی از مبانی مسئولیت کیفری مطرح نبوده است زیرا در آن دوران آن چه مهم بوده جرم بوده و نه مجرم و حتی گاهی نتیجه جرم نیز چندان مورد نظر نبوده است. پس از گذر این دوران، تحولاتی در مورد مفهوم جرم و مجرم و به تبع آن مسئولیت، به وقوع پیوست. از مجموع آورده‌های مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک و تحت نفوذ و تاثیر افکار آزادیخواهانه و انتشارات نظرات حقوقدانان، در این دوره مبانی مسئولیت کیفری تحول یافت و برای تحقق آن دو عامل عمده، یعنی تخلف از اوامر یا نواهی قانونی از روی سوء نیت یا توام با تقصیر و ضرورت وجود رابطه سببیت بین بین فعل مرتکب و صدمه به گونه‌ای که بتوان نتیجه را به مرتکب نسبت داد، در نظر گرفته شد و بر همین اساس قابلیت انتساب به عنوان خمیرمایه مسئولیت کیفری پذیرفته شد (ولیدی، ۱۳۶۶: ۱۰۱). در حقوق ایران نیز ضرورت احراز رابطه‌ی استناد بر الزام قانونی مبتنی است. به موجب ماده ۴۹۲ ق.م.ا. «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آن که به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود». دور بودن زمان میان رفتار ارتکابی و قتل یا دیگر آسیب‌ها، آن چنان که ماده ۴۹۳ قانون موصوف مقرر می‌دارد موثر در مقام نبوده و در هر حال رابطه باید احراز شود. وفق ماده ۵۲۹ ق.م.ا. نیز عمد یا غیر عمدی بودن رفتار نیز موثر در مقام نبوده و در تمامی جنایت‌های ناشی از تقصیر نیز سببیت باید اثبات شود.

مهم‌ترین سوال هنگام بحث درباره رابطه سببیت در قلمرو حقوق کیفری سئوال در خصوص معیار احراز این رابطه است. پاسخ به سوال فوق در حالتی که عوامل متعددی در وقع بزه دخالت داشته‌اند اهمیت بیشتری یافته و نیازمند بررسی دقیق‌تر است. برای فرار از مشکلات مربوط به سببیت در فرض درگیر شدن عوامل متعدد، نظریه‌های گوناگونی از سوی حقوقدانان به ویژه حقوقدانان اروپایی ارائه شده است. این نظریه‌ها بیشتر حول محور حل مشکل رابطه سببیت در فرض مداخله اسباب مختلف به شکل طولی عرضه شده‌اند. قوانین کیفری مختلف در این موارد، معیار واحدی اتخاذ ننموده و حتی گاهی از تلفیق چند معیار برای احراز رابطه سببیت به عنوان یکی از ارکان مسئولیت کیفری برده‌اند. بنابراین با توجه به ضرورت عملی این بحث، در این پژوهش پس از تبیین مفاهیم سببیت و مسئولیت کیفری و هم چنین جایگاه رابطه سببیت در تحقق مسئولیت کیفری به ترتیب در بندهای اول و دوم تحقیق، به بررسی معیارهای های احراز رابطه سببیت در فرض تعدد عوامل در وقوع جنایت، نظریه‌های موجود حاکم و نهایتا موضع قانوگذار ایران در این خصوص، در بند سوم پرداخته می‌شود.

تبیین مفاهیم

در این قسمت مفاهیم سبب، سببیت و مسئولیت کیفری در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سبب و سببیت

برای تبیین مفهوم سببیت باید ابتدا به بررسی مفهوم سبب پرداخت. سبب در لغت به معنای ریسمان و هر چه به آن پیوند کنند و نیز به معنای طریقه و وسیله می‌باشد. در اصطلاح فلسفی سبب به امری گفته می‌شود که از وجودش وجود و از عدمش عدم لازم می‌آید (زارعی، ۱۳۹۳، : ۱۳). در بحث مسئولیت کیفری وقتی سخن از سبب به میان می‌آید معنایی متفاوت از سبب فلسفی مدنظر است. در نظر بسیاری از فقهای امامیه، سبب به معنای شرط است، به این معنا که اگر نبود، خسارتی به بار نمی-

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

آمد. از نظر این دسته از فقها، سبب امری است که اگر نبود، خسارت یا جنایت واقع نمی‌شد، بدون این که وجود آن برای تحقق خسارت کافی باشد. ماده ۵۰۶ ق.م.ا. نیز این ضابطه را در تعریف تسبیب پذیرفته است (رستمی، کندسری شعبانی، ۱۳۹۲: ۱۴۷). این ماده چنین مقرر می‌دارد که: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیما مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او، جنایت حاصل نمی‌شد مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند». البته تلقی شرط به عنوان سبب ورود صدمه یا خسارت و معیار "اگر .... نبود" برای احراز رابطه سببیت در برخی موارد راهگشاست، ولی همواره به کار نمی‌آید. برای نمونه، چنانچه دو نفر با کمک هم ماشینی را به پرتگاهی بیندازند و معلوم شود نیروی یک تن هم برای سقوط ماشین کافی بوده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴۳۷).

با عنایت به تعاریف به عمل آمده از سبب، به عنوان عاملی که عدم آن، عدم وقوع تلف را باعث می‌گردد اما وجود آن لزوما به معنای وجود مسبب نیست؛ در اصطلاح حقوقی سبب را می‌توان امری دانست که جنایت یا خسارت مستند به آن بوده و از آن نشات گرفته است.

و اما در خصوص مفهوم سببیت باید گفت در لغت واسطه سبب با مسبب (فایده، نتیجه) را سببیت گویند (انصاری، ۱۳۸۸: ۱۰۷۲). رابطه سببیت در علم حقوق نیز به تبع رابطه علی و معلولی در عالم خارج، نشان از رابطه عدم و وجود بین دو شیء دارد که در این بحث منظور ارتباط موجود بین عمل زیانبار یک عامل و زیان وارده است(زارعی، همان: ۱۱) در حقوق کیفری، سببیت که در برخی متون با عنوان علیت از آن یاد می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۹۴) یکی از شرایط تحقق مسئولیت کیفری در کنار شروط مورد نیاز است. اگرچه احراز رابطه سببیت ملازمه با مسئولیت کیفری نداشته و باید سایر شرایط ایجابی و سلبی (مانند عقل و بلوغ و اختیار) نیز مورد توجه قرار گیرد، اما فقدان آن اصولا به منزله نبود مسئولیت کیفری است. به عبارتی، از آن جا که رابطه سببیت جزئی از ارکان مسئولیت تلقی می‌شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که با نبودن آن، مسئولیت نیز منتفی می‌شود و وجود آن نیز به تنهایی عامل ایجاد مسئولیت نیست؛ چون وجود ارکان دیگری در کنار آن لازم است (نجیب حسنی، ۱۳۸۶: ۸۵). در هر حال برای انتساب جرم و توجه ضمان، لازم است که رابطه استناد احراز گردد و فارغ از این که فعل بالمباشره و یا بالتسبیب انجام گیرد، آن چه مهم است انتساب عمل به مباشر یا سبب می‌باشد.

مسئولیت کیفری

مسئولیت در لغت عبارت است از آن چه انسان عهده دار و مسئول آن باشد (عمید، ۱۳۶۲:۴۰۷۷) و کیفر در لغت به معنای عقوبت و مجازات است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۱۷۵).

واژه مسئولیت در اصطلاح نیز مرادف با وظیفه و تکلیف به کار می‌رود. برای تحقق مسولیت عوامل ابتدائی چندی لازم است که عبارتند از وجود قاعده یا قانون به جهت رعایت توسط شخص، اطلاع و آگاهی به آن و مشروعیت مقام واضع قاعده و تکلیف (ولیدی، ۱۳۶۶: ۱۶). لکن وجود این عوامل به تنهایی برای مسئولیت شخص کفایت نمی‌کند بلکه برای مسئول بودن شخص، عمل ارتکابی نیز باید به وی قابل انتساب باشد. برای احراز قابلیت انتساب نیز شخص باید در عمل ارتکابی آزادی اراده داشته باشد، مختار باشد و بین عمل مرتکب و نتیجه حاصله رابطه سببیت برقرار باشد. مسئولیت دارای انواع مختلفی از جمله مسئولیت اخلاقی، مدنی و کیفری می‌باشد که در این مقال به بررسی مسئولیت کیفری پرداخته می‌شود.

مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به آثار نامطلوب ناشی از رفتار مجرمانه است. منظور از مسئولیت جزایی در اصطلاح فقها آن است که هر انسان می‌بایست نتایج و عواقب جرمی را که از روی اختیار و عمد مرتکب شده متحمل گردد.

۲- جایگاه رابطه سببیت در تحقق مسئولیت کیفری

همانگونه که ذکر شد فرد به دلیل رفتارهای مجرمانه‌ای که از خود نشان می‌دهد، باید در مقابل قانون پاسخگو باشد و در چنین شرایطی ممکن است به تحمل مجازات‌های مقرر قانونی نیز محکوم شود. الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود.

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

مسئولیت کیفری به معنای التزام یا مجبور بودن شخص نسبت به تحمل تبعات جزایی رفتار خود می‌باشد (علوی، ۱۳۹۵: ۴۵) لکن باید توجه داشت که از دیدگاه حقوق کیفری ارتکاب جرم یا هرنوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی زمانی قابل سرزنش و مجازات است که وقوع پدیده مجرمانه از میل و اراده آگاهانه مرتکب نشات گرفته باشد. عمل مجرمانه که با اندیشه و قصد مرتکب در خارج تحقق یافته است باید حاکی از سوء نیت مرتکب یا ناشی از خطای او باشد و باید احراز وقوع جرم از ناحیه مرتکب شرط اساسی و پایه اولیه مسئولیت کیفری محسوب شود. هم چنین باید بین جرم انجام یافته و فاعل آن قابلیت انتساب موجود باشد. هرکسی که با علم و اطلاع دست به ارتکاب جرم می‌زند لزوما مسئول شناخته نمی‌شود، بلکه علاوه بر تحقق اراده ارتکاب و سوء نیت یا تقصیر جزایی باید دارای اهلیت و خصوصیاتی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد.

به بیان دیگر وقتی انسان از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شود که مسبب حادثه‌ای باشد یعنی بتوان آن حادثه را به وی نسبت داد. پس مسئولیت کیفری، محصول نسبت دادن و قابلیت انتساب است و مقصود از قابلیت انتساب آن است که بر مقامات قضایی معلوم گردد که فاعل جرم، از نظر جسمی و عقلی و نیروی اراده و اختیار، دارای آن چنان اهلیتی بوده است که می‌توان رابطه علیت بین جرم انجام یافته و فاعل آن برقرار کرد. در حقیقت مسئولیت کیفری از نتایج مستقیم انتساب جرم به فاعل آن احراز می‌شود. لذا برای تحقق مسئولیت کیفری تنها ارتکاب جرم کافی نیست و باید:

اولا: شخص مرتکب با میل و اراده آزاد آن را انجام دهد.

ثانیا- در عمل خود سوء نیت داشته یا این که عمل وی از خطا ناشی شود.

ثالثا- بین عمل ارتکاب و جرم حاصله قابلیت انتساب باشد بدین معنی که جرم را بتوان به مرتکب نسبت داد. منظور از رابطه انتساب آن است که بتوان بین جرم و عمل مرتکب رابطه علیت برقرار کرد. (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۴۶).

بنابراین وجود جرم به تنهایی نمی‌تواند موجب مجازات یا اقدامات تامینی گردد، عامل یک عمل مجرمانه باید واجد مسئولیت جزایی شناخته شود تا اجرای مجازات بر او عادلانه باشد. مسئولیت جزایی در حقیقت پل ارتباطی بین جرم و مجازات را ایجاد می‌کند و مجرم با عبور از این پل به عنوان مسئول شناخته می‌شود و به تناسب عمل مجازات می‌گردد.

به عبارتی از یک سو برای تحقق مسئولیت کیفری "قابلیت انتساب جرم به مرتکب"، امری ضروری است و ثبوت ضمان متوقف بر اسناد زیان به فعل ضامن است که مراد از آن احراز رابطه سببی میان فعل و نتیجه‌ی واقع شده است به نحوی که بتوان صدمه یا خسارت را به اقدام عامل نسبت داد (صادقی، ۱۳۹۲: ۳۴)؛ لذا مقنن در مواد ۵۲۹ و ۵۲۶ و ۵۰۰ و ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به لزوم احراز و اثبات رابطه سببیت تکیه دارد و بسیاری از فقها نیز تصریح کرده‌اند که تحمیل مسئولیت، دائرمدار صحت انتساب و استناد جنایت است (صادقی، میرزایی، ۱۳۹۸: ۱۶۹) و از سوی دیگر قانون‌گذار برای تحقق مسئولیت کیفری، شرایط و ویژگی‌های جسمی، روانی و توانایی تفکر و تعقل و قدرت تصمیم‌گیری برای انجام دادن یا خودداری از الزامات قانونی را ضروری می‌داند. لذا برای تحقق مسئولیت کیفری، صرف ارتکاب فعل زیانبار کافی نیست و علاوه بر آن مرتکب بایستی بالغ، عاقل و مختار باشد. (محسنی، ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

در نهایت با توجه به این که احراز رابطه استناد در کنار دیگر شروط مسئولیت، موضوعی ضروری در تحمیل مسئولیت کیفری است دو نتیجه را می‌توان از این امر برداشت نمود: اول این که نبود رابطه استناد برابر است با فقدان مسئولیت کیفری؛ و دوم این که وجود صرف رابطه استناد برای تحقق مسئولیت کیفری کافی نیست (نجیب حسنی، همان: ۸۳).

معیار احراز رابطه استناد

پس از مشخص شدن رابطه سببیت، باید دید عوامل و اسباب متعدد چگونه ممکن است در وقوع جنایت یا خسارت دخالت نمایند. در این بند نحوه احراز رابطه سببیت در فرض تعدد عوامل وقوع جرم و هم چنین عرفی یا واقعی بودن رابطه استناد مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۱۹، بهار ۱۴۰۰، ص ۷۶- ۶۷

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

معیار رابطه سببیت در فرض تعدد عوامل در وقع جرم

برای احراز مسئولیت، انجام دادن رفتار مجرمانه یا زیان‌بار کافی نیست، بلکه بایستی بین نتیجه موجود و رفتار مرتکب، رابطه مورد قبول از نظر معیارهای حقوقی وجود داشته باشد. چنانچه عامل واحدی در ارتکاب جرم دخیل باشد تشخیص رابطه سببیت آسان می‌باشد. اما ممکن است عوامل متعدد، گاه به طور طولی و گاه در عرض، به صورت اجتماع اسباب متعدد و یا اجتماع سبب و مباشر و یا مباشرین متعدد، موجب وقوع جنایت بشوند.

بررسی اجتماع عوامل متعدد در عرض یکدیگر

این حالت در مواردی است که تاثیر عوامل متعدد، متوقف بر وجود یکدیگر نمی‌باشد، بلکه هر کدام از این عوامل صرفنظر از همراهی با عامل دیگر در وقع جنایت موثر هستند. اجتماع عوامل متعدد در عرض ممکن است به صورت اجتماع مباشرین، اسباب و یا مباشر و سبب باشد.

اجتماع چند مباشر در عرض هم

در این فرض چند عامل با رفتارهای متعدد مباشرت در جرم نموده به طوری که جنایت یا خسارت قابل استناد به عمل همه آن‌ها باشد. اجتماع این عوامل در عرض یکدیگر، به گونه‌ای است که این عوامل گاه باعث ایراد جنایت بر شخص ثالث و گاه بر یکدیگر می‌شوند (محسنی، ملکوتی، همان: ۱۴۰). ماده ۵۲۶ ق.م.ا. در فرضی که دو یا چند عامل در وقوع جنایت بر ثالث دخیل باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست را ضامن دانسته و چنانچه جنایت مستند به همه باشد آن‌ها را به طور مساوی ضامن دانسته است مگر این که تاثیر رفتار مرتکبان در وقوع جنایت متفاوت باشد که در این صورت هر کدام را به نسبت تاثیر رفتارشان مسئول قلمداد نموده است. هم چنین ماده ۵۲۷ ق. م.ا. در خصوص جنایت چند عامل بر هم مقرر داشته است: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تاثیر آن‌ها در برخورد، مساوی باشد، در مورد جنایت شبه عمدی نصف دیه هرکدام از مال دیگری و در مورد خطاء محض نصف دیه هرکدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی‌علیه یا لولیاء دم او بپردازند».

اجتماع چند سبب در عرض هم

در این فرض اسباب متعدد در عرض هم وقوع جنایت و رفتار مجرمانه را رقم می‌زنند. اسباب متعدد شریک در جرم بوده و مسئولیت هر یک از آن‌ها مسئولیت فاعل مستقل جرم می‌باشد. همانطور که در بحث پیشگفت اشاره گردید نحوه مسئولیت هر کدام از این اسباب متعدد با توجه به میزان تاثیرشان در نتیجه مجرمانه در ماده ۵۲۶. ق.م.ا. تبیین شده است.

اجتماع سبب و مباشر در عرض هم

گاهی سبب و مباشر جمعند و نتیجه عمل منتسب به عمل هر دو می‌باشد. در این صورت هریک عملش موثر در نتیجه است و مستقلا فاعل محسوب می‌شود. مانند این که الف جرحی به ج وارد کند و ب نیز طعام مسمومی به ج دهد و پزشکی قانونی مرگ را را مستند به فعل هر دوی ایشان تشخیص دهد.

اجتماع عوامل متعدد در طول هم

گاهی تاثیر عوامل متعدد به نحوی است که تاثیر هر یک از آن‌ها متوقف بر تاثیر دیگری می‌باشد. تاثیر این عوامل بر وقوع نتیجه مجرمانه به طور مستقل نبوده بلکه به طور زنجیروار به هم متصل بوده و در طول هم قرار می‌گیرند. این حالت می‌تواند به صورت اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع اسباب متعدد باشد و با توجه به مفهوم مباشرت، مباشرین متعدد نمی‌توانند در طول هم باشند(همان: ۱۴۴).

اجتماع سبب و مباشر در طول هم

در این حالت سبب و مباشر در طول یکدیگر باعث وقوع جنایت می‌شوند. در اجتماع سبب و مباشر سه حالت پیش می‌آید گاهی مباشر قوی‌تر، گاهی سبب قوی‌تر و گاهی هردو مساوی هستند.

در حالتی که مباشر قوی‌تر از سبب است فرض این است که مباشر و سبب هر دو در زدن خسارت موثرند اما تاثیر مباشر، بیشتر از سبب است. در این حالت با توجه ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، مباشر مسئول جنایت وارده می‌باشد. قابل ذکر است

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

که در این ماده هیچ ملاک روشن و مشخصی برای تعیین ضامن یا راه‌حلی برای آن بیان نشده است(میرحسینی، آب سواران،۱۳۹۳: ۱۴۰).

در صورت تساوی سبب و مباشر در خسارات وارده و نتیجه حاصله، با توجه به ماده فوق‌الذکر مسئولیت نتیجه مجرمانه با هردوی سبب و مباشر می‌باشد.

و در حالت آخر یعنی اقوی بودن سبب از مباشر، فرض بر این است که سبب و مباشر هر دو در زدن خسارت موثرند اما تاثیر سبب بیشتر از مباشر است. در این حالت چنانچه نتیجه مجرمانه قابل استناد به سبب باشد، مسئولیت جنایت با وی خواهد بود. هر چند قانون مجازات اسلامی معیار خاصی برای تشخیص اقوی بودن سبب ارائه نداده است اما از مجموع مباحث فقها و اشاره ماده ۳۳۲ قانون مدنی به عرف، به نظر می‌رسد که اقوی بودن را باید با مراجعه به عرف مشخص کرد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۵۴). شایان ذکر است که از دید نگارنده، توسل به عرف به عنوان معیاری به جهت تشخیص سبب یا مباشر اقوی صرفا در جایی جایز است که از طریق علمی قادر به کشف میزان تاثیر سبب و مباشر بر وقوع جرم نباشیم.

اجتماع اسباب متعدد در طول هم

گاه حادثه نتیجه دخالت اسبابی است که تاثیر هر یک منوط به تاثیر دیگری بوده است. این حالت در نظر حقوق‌دانان به اجتماع طولی اسباب موسوم گشته است. در این زمینه حقوقدانان و فقها در خصوص ارائه راهکاری برای علت قانونی و مسئول از میان علل، نظریه‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند. در این قسمت به طور خلاصه به بررسی این نظریه‌ها پرداخته می‌شود.

نظریه شرط ضروری یا برابری اسباب و شرایط

بر اساس این نظریه هر شرط ضروری و یا علتی که در تحقق صدمه و زیان دارای تاثیر باشد و در به وجود آمدن نتیجه‌ی مجرمانه نقش داشته باشد، مسئولیت خواهد داشت. بر اساس این نظریه اگر عملکرد مجرم در قسمتی از مراحل ایجاد نتیجه نقش و مشارکت داشته باشد، علت حصول آن قلمداد می‌شود. به بیان دیگر همه‌ی عوامل مختلفی که در حدوث نتیجه نقش و مشارکت داشته‌اند، علت حصول آن قلمداد می‌شوند (طاهری نسب، ۱۳۹۰: ۵۲۸). به نظر می‌رسد معیار سببیت از نقطه نظر این دیدگاه، صرف دخالت ظاهری در وقوع زیان باشد به گونه‌ای که عاملی که کوچک‌ترین دخالت را در ایجاد زیان داشته و زمینه‌ای از زمینه‌های ایجاد آن در آینده را در گذشته‌ای بسیار دور فراهم نموده، سرانجام در سلسله اسباب و به عنوان مسئول قرار می‌گیرد. این دیدگاه به علت بی‌توجهی به شدت و ضعف عوامل دخیل و یکسان دیدن همه آن‌ها محکوم به رد است.

نظریه سبب نزدیک

تحمیل مسئولیت بر نزدیک‌ترین و آخرین سبب و بی توجهی به اسباب و عوامل دور، مبنای این نظریه است. به موجب این نظر جبران خسارت بر عهده عاملی است که به لحاظ زمانی پس از همه اسباب قرار گرفته است. طبق این نظر، قبل از حدوث آخرین سبب همه چیز در حالت طبیعی قرار داشته و پیدایش علت متصل به نتیجه سبب دگرگونی وضع موجود گشته است (زارعی، همان: ۴۲). به عبارتی، این نظریه بر این توجیه استوار است که چون جنایت، ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با عامل نهایی دارد لذا عرفا ضرر وارده به این عامل مستند است و سایر حوادث دخیل، به عنوان شرط محسوب می‌شوند (محسنی، همان: ۱۵۱). ایراد این نظریه نادیده گرفتن سایر علل و اسباب از جمله اسباب مقدم در تاثیر است.

نظریه سبب پویای نتیجه

این نظریه، جنایت را به حساب عاملی می‌گذارد که در مقایسه با عامل یا عوامل دیگر از تحرک و پویایی بیشتری برخوردار است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۳۶۹). برای مثال شخصی که بیمار است به پزشک مراجعه می‌کند و پزشک در حین معالجه به دلیل تقصیر سبب فوت بیمار می‌شود. ایراد این نظریه بیشتر متوجه آن است که فقط در جنایات ناشی از فعل کاربرد داشته و ترک‌فعل‌ها را شامل نمی‌شود (رستمی، کندسری شعبانی، همان: ۱۵۵)

نظریه‌ی سبب متعارف

به موجب این نظریه تمام شرایط و حوادثی را که در وقوع ضرر دخالت داشته باشند، نباید در زمره‌ی اسباب آورد . حادثه‌ای سبب است که بر مبنای متعارف و سیر عادی امور، منجر به ورود ضرر شود. ولی، شرایطی که گاه بر حسب اتفاق و در نتیجه‌ی اوضاع و احوال استثنایی باعث ایجاد ضرری شود، سبب آن نیست (نجیب حسنی، همان: ۱۸۸). به بیان دیگر در این نظریه به

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

عوامل جزئی و ناچیز اهمیت داده نمی‌شود بلکه به عواملی اهمیت داده می‌شود که بین آن‌ها و صدمه رابطه سببی قوی و محکمی وجود دارد. لذا به عقیده برخی از نویسندگان معیار موجود در این نظریه، قرابت این نظر را با نظریه‌ی سبب اقوی در فقه اسلامی نشان می‌دهد و مطابق نظریه‌ی سبب اقوی نیز، همان شرط ضروری که پیوند علی نزدیک و قوی‌ای با صدمه دارد و با روی دادن آن احتمال قوی تحقق معلول رخنمایی می‌کند، علت آن تلقی می‌شود. احراز رابطه سببیت در این نظریه مستلزم مداخله کارشناسان و پزشکان و بررسی عینی و تجربی همه پدیده‌ها و عوامل درگیر در جنایت است (سپهوند، ۱۳۸۸: ۲۰۶) این نظریه نسبت به سایر نظریات از مقبولیت بیشتری برخوردار است و دلیل این امر نیز به تفکیک بین عوامل ایجاد حادثه برمی-گردد. لکن ایراداتی بر این نظر نیز وارده شده از جمله آن که معیار متعارف بودن ارائه نگردیده و باز هم تشخیص خود قاضی در شناختن سبب دخالت می‌کند (باریک لو، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

نظریه‌ی سبب مقدم در تاثیر

این دیدگاه بیان می‌دارد که از میان اسباب متعدد، مسئولیت بر عده‌ی سببی است که زودتر از بقیه‌ی اسباب اثر کرده و در ایجاد صدمه موثر واقع شده است هر چند به لحاظ زمان وجود از سبب دیگری دیرتر به وجود آمده باشد. ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی با تاسی از این نظریه بیان می دارد: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود». ایراد این نظر، نادیده گرفتن سایر عوامل و اسباب دیگر به ویژه عوامل نزدیک به حادثه است (رستمی، مندسری شعبانی، همان: ۱۵۵)

رویکرد قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی مواد متعددی در رابطه با احراز رابطه سببیت اختصاص داده شده‌اند. قانون یاد شده به جای اتخاذ یک معیار واحد در این زمینه، بیشتر فرمول‌هایی را با ذکر نمونه‌هایی خاص برای رابطه سببیت مطرح کرده است. مثال-های مطروحه به رغم شباهت فراوانی که با هم دارند، اما هر کدام تابع راهکارهای جداگانه و مغایر با یکدیگر هستند. پراکندگی و فقدان یکدستی و یکنواختی ماده‌های مربوط به سببیت و تعدد اسباب و عوامل، چالش اصلی قانون مجازات اسلامی در خصوص موضوع رابطه‌ی سببیت است. (همان: ۱۴۶)

در این قانون در فرض تعدد اسباب، چنانچه جنایت منتسب به همه اسباب باشد، به موجب ماده ۵۳۳ همگی به طور مساوی ضامن هستند.

در فرض تعدد اسباب به شکل طولی این قانون بدوا تقدم تاثیر سبب را ضابطه در احراز رابطه استناد دانسته است، لکن با طرح قیود و استثنا در بسیاری موارد از این قاعده عدول کرده است (صادقی، ۱۳۹۲: ۳۶). در ماده ۵۳۵ این قانون، که متن آن در فوق اشاره گردید، و ماده ۵۳۶ که مقرر می‌دارد: «هرگاه در مورد ماده(۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است» فروض مختلفی پیش‌بینی شده و بر این اساس ۴ ضابطه در خصوص اجتماع اسباب تعیین شده است:

الف- در اسباب طولی (صدر ماده ۵۳۵) هرگاه اسباب متعدد عامد نباشند، سبب مقدم در تأثیر مسئول است حتی اگر موخر در حدوث باشد.

ب- در اسباب طولی اگر همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند، طبق قسمت دوم ماده ۵۳۵، شرکت در جرم محسوب می‌شوند. حکم این مورد مثل اجتماع عرضی اسباب است.

ج- در اسباب طولی اگر عمل یکی مجاز و دیگری غیرمجاز باشد، طبق ماده ۵۳۶ شخصی که عملش غیرمجاز است ضامن است. قانون سابق از عدوان و غیر عدوانی بودن سخن به میان آورده در حالی که این ماده در خصوص مجاز بودن یا نبودن است.

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

د- در صورت عامد بودن سبب موخر در حدوث، طبق قسمت دوم ماده ۵۳۶، مسئولیت به او نسبت داده می‌شود. (میرمحمد صادقی، همان: ۶۰). به عبارتی در اسباب طولی اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.

ملاحظه می‌شود قانون‌گذار گاه ضمان سبب را مبتنی بر نقش مادی آن در حدوث نتیجه مورد توجه قرار داده و سبب مقدم در تاثیر را مسئول شمرده است و در مواردی صرف‌نظر از موقعیت عینی و واقعی اسباب، رابطه‌ی استناد را پیوندی ذهنی و غیرمادی تصور کرده و با تکیه بر عمد و قصد عوامل، همه اسباب عامد را به تساوی، ضامن و شریک در زیان به شمار آورده است، گاه نیز مبانی متغایر مذکور را رها کرده، طی یک ضابطه‌ی خودساخته و بی سابقه، مبتنی بر حدوث سبب و نیز عمد و قصد وی، سبب موخر در حدوث را ضامن شناخته است (صادقی، همان: ۵۵).

عرفی یا واقعی بودن رابطه استناد

تاکنون نظریه‌های مختلفی در باب اجتماع طولی و عرضی اسباب و نحوه احراز رابطه سببیت گفته شد. با توجه به این که در این نظریه‌ها احراز رابطه استناد بر اساس معیار عرفی بوده و نظریه پردازان به قاعده‌سازی عرف در مورد رابطه استناد تمایل دارند به طور مختصر به تبیین قاعده پذیر بودن احراز رابطه استناد ابتدا بر اساس عرف و سپس واقع و علمی سخن گفته می‌شود.

معیار عرفی

پیچیده بودن احراز رابطه سببیت به خصوص در اجتماع اسباب و علل به نحو ترکیبی طولی و عرضی موجب گردیده عده‌ای بر این عقیده باشند که آن چه اهمیت دارد وجود رابطه سببیت عرفی میان فعل فاعل و ضرر می‌باشد؛ به گونه‌ای که بتوان ملازمه عرفی میان ین دو را احراز کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۸۹). لکن باید توجه داشت صرفا پیچیدگی اسباب مجوزی جهت ارجاع امر به عرف نبوده و اگر نظر عرف- بدون در نظر گرفتن ضابطه تسبیب در فقه و قانون- به عنوان مبنایی برای تشخیص اسباب باشد، قابل پذیرش نخواهد بود. به طور کلی عرف در احراز رابطه سببیت، قابلیت ارشادی داشته و تا جایی که منطبق با واقع و قواعد علمی و اصول موجود درباره سببیت باشد طریقیت دارد و خود به مستقل نمی‌تواند در احراز رابطه استناد موضوعیت داشته باشد(صادقی، میرزایی، همان: ۱۸۳ و ۱۸۶).

معیار واقعی

برای انتساب جرم و توجه ضمان، لازم است رابطه استناد احراز گردد. از سوی دیگر احراز مسئولیت مجرم متوقف بر اثبات استناد رفتار مجرمانه به وی بوده و در مواردی که استناد واقعی، موضوعی مسلم نیست و در وجود آن تردیدی حاصل شود، بنا بر اصل برائت و قاعده درا که در مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ ق.م.ا. به آن اشاره شده و شامل کلیه‌ی جرایم تعزیری و غیرتعزیری می‌شود اصل بر عدم سببیت خواهد بود (همان ۱۸۷): . عدالت و انصاف ایجاب می‌کند طریق و معیاری که کمترین اشتباه و مسامحه را در پی داشته باشد، اتخاذ گردد. معیار واقعی و علمی زمانی واجد بیشترین اهمیت می‌گردد که عوامل متعددی در وقوع نتیجه مجرمانه دخیل بوده و برخی از آن‌ها موجب انقطاع رابطه سببیت شوند.

نتیجه گیری

برای تحقق مسئولیت کیفری، قابلیت انتساب جرم به مرتکب امری ضروری است و قانونگذار برای تحقق مسئولیت کیفری، شرایط و ویژگی‌های جسمی، روانی و توانایی تفکر و تعقل و قدرت تصمیم‌گیری برای انجام دادن یا خودداری از الزامات قانون را ضروری می‌داند. برای تحقق مسئولیت کیفری صرف فعل ارتکاب عمل زیانبار کافی نیست بلکه شخص می‌بایست از شرایط عامه تکلیف برخوردار باشد و عمل ارتکابی وی فاقد عوامل موجهه و رافع مسئولیت کیفری باشد. احراز رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه مجرمانه به عنوان یکی از اجزای تشکیل دهنده مسئولیت کیفری است. لکن در برخی موارد که عوامل و اسباب متعددی در وقوع فعل مجرمانه و نتیجه حاصله دخیل هستند احراز این انتساب با دشواری روبرو می‌گردد. احراز رابطه سببیت در فرض تعدد اجتماع عوامل متعدد با دشواری‌های فراوان روبرو می‌باشد لکن به طور کلی باید گفت در اجتماع عرضی نتیجه به همه استناد داده می‌شود لکن اگر عوامل در طول یکدیگر واقع شوند باید بسته به میزان تاثیر مسئول باشند. ضرورت و اهمیت

فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۱۹، بهار ۱۴۰۰، ص ۷۶- ۶۷

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

تشخیص پیوند میان ضرر و فعل مرتکب و نیز صعوبت احراز آن، زمینه طرح نظریه‌های مختلف از سوی متفکران و به خصوص حقوقدانان را فراهم آورده است و هر یک متاثر از مبانی خود، معیار خاصی را برای تشخیص رابطه استناد پیشنهاد کرده‌اند. مقنن ایرانی نیز برای تشخیص عامل ضامن از میان اسباب متعدد، به موازین متنوعی متوسل شده که بعضا با مواد دیگر قانون معارض است. لکن آنچه که در نهایت باید به آن توجه کرد این است که در واقع همه شبهات حادث در بحث رابطه سببیت را نمی‌توان با نگرش یکسانی پاسخ داد و در تعیین و تشخیص مسئول، باید از همه دیدگاه‌ها کمک خواست و نباید دنبال قاعده کلی بود. نظریات مربوط به سبب نزدیک، سبب متناسب و سبب مقدم در تأثیر، هر کدام به فراخور شرایط می‌تواند در رسیدن به عدالت قضایی، به دادرس کمک کند.

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

منابع و مراجع

[۱] اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، چاپ سی‌ام، تهران: میزان،۱۳۹۲.
[۲] انصاری، مسعود، طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
[۳] باریک لو، علیرضا، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۵.
[۴] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، ایران: گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۲.
[۵] خزاعی موخر، سیاوش رابطه‌ی سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۹۶.
[۶] رستمی، هادی، شعبانی کندسری، هادی، احراز رابطه‌ی سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارت مالی (با تاکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۵.
[۷] زارعی، فاطمه، مطالعه تطبیقی رابطه سببیت در نظام ایران و کامن لا (با تاکید بر قانون جدید مجازات اسلامی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، ۱۳۹۳.
[۸] سپهوند، امیرخان، جرایم علیه اشخاص، چاپ سوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸.
[۹] صادقی، محمدهادی، اجتماع اسباب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
[۱۰] صادقی، محمدهادی، میرزایی، محمد، ماهیت رابطه استناد و معیار احراز آن، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۱، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۹۸.
[۱۱] طاهری نسب، یزداله، رابطه‌ی علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان، چاپ دوم، تهران: دادگستر، ۱۳۹۰.
[۱۲] عطائی کلائی، پور علی، رابطه علیت در انواع قتل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
[۱۳] عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، ایران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
[۱۴] علوی، سید حسن، مبانی مسئولیت کیفری در حقوق جزا، دو فصلنامه علمی- تخصصی گفتمان حقوقی، سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
[۱۵] کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳.
[۱۶] گلدوزیان، ایرج، ندای انصاف و عدالت، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۹.
[۱۷] محسنی، مرتضی، دوره‌ی حقوق جزای عمومی، پدیده جنایی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵.
[۱۸] محسنی، فرید، ملکوتی، نصیر، رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجله حقوقی دادگستری، سال هفتاد و نهم، شماره نود و یکم، پاییز ۱۳۹۴.
[۱۹] میرحسینی، سید احمد، آب سواران، حسن، بازپژوهی قاعده‌ی تسبیب و نقد قوانین آن، آموزه‌های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.
[۲۰] میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ شانزدهم، تهران: میزان، ۱۳۹۳.
[۲۱] نجیب حسنی، محمود، رابطه سببیت در حقوق کیفری، ترجمه‌ی سید علی عباس نیای زارع، چاپ سوم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶.
[۲۲] ولیدی، محمدصالح، مسئولیت جزایی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.